



امیرکبیر - سعید نیکبور - ۱۳۶۳

سفیر روس (رضا فیاضی)، باید به تبریز اطلاع داد /سفیر انگلیس: آنها از مرگ شاه مطلع شده‌اند / مهدعلیا: پس ما می‌توانیم تدارک دفن ششاه را همیا کنیم/ میرزا آقاخان نوری (محمد مطیع): آشوب ایران را چه می‌کنید؟/ سفیر روس: باید قدرت به کسی تفویض شود که مردم به هراس نیفتند/ میرزا یوسف (علی رامز): شاه جوان است سررشته‌ای از قدرت ندارد شاید بهتر باشد…

مهدعلیا: فکر آن را هم کرده‌ایم دست‌کم دو ماه طول می‌کشد تا شاه به دارالخلافه برسد. فی‌الحال می‌خواهیم خودمان زمام امور را دست بگیریم. به ولایات دستور صادر می‌کنیم به تبع از شاه جوان چرخ امور را بچرخانند. شاید لازم نباشد که بعضی از حکام ابقا شوند

آماده و به هتل‌های محل استقرار زائران ایرانی منتقل شده‌است.

چند تغییر: عربستان اعلام کرده است که می‌خواهد مراسمی متفاوت برگزار کند. سلمان بن عبدالعزیز،

پادشاه عربستان، دستور میزبانی از هزار زائر فلسطینی از خانواده شهدا، اسرا و زخمی‌ها را برای ادای

فریضه حج ۱۴۴۴ هجری قمری صادر کرده است. انتظار می‌رود عربستان در موسم حج ۲۰۲۳ میزبان بیش از دو میلیون زائر باشد. خبرنگار تسنیم که برای پوشش این مراسم به عربستان سفر کرده، گزارش داده است: «مسئولان سعودی با کشیدن دیوار اطراف قبرستان بقیع کاری کرده‌اند که زنان نمی‌توانند

قبور ائمه بقیع را از راه دور و از پشت زرده‌ها زیارت کنند».

با اجرای طرح بازسازی اطراف حرم پیامبر در مدینه‌النبی زرده‌های اطراف قبرستان بقیع به دیوار تبدیل شده است. با اجرای این طرح بانوان دیگر امکان مشاهده و زیارت قبرستان بقیع از پشت زرده‌ها

را ندارند. حتی به زنان این اجازه را نمی‌دهند که کنار دیوارهای کشیده‌شده بایستند و از همان‌جا ائمه بقیع را زیارت کنند.

برده جدید بر کعبه: العالم از بالا رفتن برده کعبه به مناسبت آغاز مراسم حج خبر داده است. پس از نماز مغرب چند شب پیش، متولیان خانه خدا دور کعبه را بستند و پس از بالاکشیدن برده کعبه،

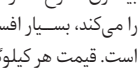
با سسوزن‌های مخصوص اقدام به دوختن آن کردند. در ادامه پارچه کتان سفیدی را در هر چهار طرف کعبه دوختند تا خانه خدا هم برای برپایی مناسک حج تمتع ۱۴۴۴ قمری با حضور زائران از کشورهای مختلف آماده شود. در این مرحله، برده کعبه به اندازه سه متر بالا برده می‌شود و پوشانده می‌شود، گروهی از متخصصان برای حفظ پاکیزگی و حفاظت، آن ناحیه را با پارچه پنبه‌ای سفیدی با عرض حدود دو متر از چهار طرف پوشاندند. «سلطان القرشی» دراین‌باره به تخریب برده اصلی اشاره کرد و

گفت: «برخی از زائران می‌باید به بریدن تکه‌هایی از برده کعبه و تیرک‌جستن به آن می‌کنند که نادرست است و به‌همین دلیل با تکه‌های پارچه سفید به عرض ۶۷ متر دور کعبه را می‌پوشانند. پس از پایان موسم حج برده به شکل عادی خود بازمی‌گردد».

کوشش‌های قربانی چه می‌شود؟ یکی از سؤالا‌ها این است، امسال نیز این درخواست از مسئولان عربستان تکرار خواهد شد که گوشت‌های قربانی به کشور خودمان بازگردانده شوند یا خیر؟ هرچند در سال ۹۸ اعلام شده بود که بازگرداندن گوشت از طریق هواپیما مقرون به صرفه نیست و ایران نیز کشتی‌های یخچالدار مناسب برای انجام این کار ندارد؛ اما سال پیش اجرایی‌شدن این اتفاق با قوت بیشتری مطرح شد و حتی بسیاری از اینکه ایران چنین در تنگنا قرار گرفته که درخواست دریافت گوشت را می‌کند، بسیار افسوس خوردند. درحال حاضر قیمت گوشت بین کیلویی ۳۰۰ تا ۳۵۰ هزار تومان است. قیمت هر کیلوگرم دام زنده نیز بین صد تا ۱۵۰ هزار تومان معامله می‌شود.

نشانه‌خوانی

۱۱ بازخوانی ایدئولوژیک



پویا نعمت‌اللهی

دکتری علوم ارتباطات اجتماعی

از چندروز قبل تصویر عجیبی در پیام‌رسان‌ها

دست‌به‌دست می‌شود که در آن آکامی در سه ماده به شهروندان حوالی بلوار اندرزگو صادر شده است.

با توجه به تاریخ اجرای آن (یعنی ۱۲ خرداد) باید مربوط به چند هفته قبل باشد اما به‌تازگی در شبکه‌ها و

رسانه‌ها و پیام‌رسان‌ها برجسته شده است.

به‌طور مشخص این اعلامیه ناظر بر ایجاد محدودیت برای اصطلاحا «دور دور زدن» اتومبیل‌ها تمهید شده و به این بهانه عملا کسبه هم قربانی آن شده‌اند؛ چراکه ساعات پایانی کار آنها نیز تعیین شده است.

اما عجیب‌ترین نکته در این اعلامیه، اسامی دستگاه‌هایی است که پای آن را امضا کرده‌اند. در این تصویر تعداد ۱۱ دستگاه مشخص است؛ از استانداری و فرمانداری و دادستانی تا اداره تبلیغات و سپاه پاسداران و چندین دستگاه دیگر.

این اعلامیه را چگونه می‌توان فهم کرد؟

به نظر می‌رسد موضوع با توسل به پیوند میان سوزه و ایدئولوژی در نزد لویی آلتوسر (فیلسوف فرانسوی) قابل توضیح باشد.

به‌طورکلی «سوزه» را هم «موضوع ادراک» و هم «فاعل شناسا» تعریف کرده‌اند.

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
● صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲
● تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۶۳۲۷۰
● نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹
● تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۵-۴۴۰۱۹۸۰۸
● تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۲۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴
● چاپ: صمیم
تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۲۲ خرداد ۱۴۰۲
● ۲۳ ذی‌القعدة ۱۴۴۴
● ۱۲ ژوئن ۲۰۲۳
● سال بیستم
● شماره ۴۵۷۴
● ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۱
● اذان مغرب ۱۹:۴۲
اذان صبح فردا ۳:۰۲
● طلوع آفتاب ۴:۴۸

از اسب، نه از اصل



بابک زمانی

نورولوژیست

نامه سرگشاده مهدی تدینی به سفیر آلمانی لحن و زاویه دید جدیدی را

معرفی می‌کند که تاکنون وجود نداشت یا کمیاب بود؛ بنابراین نقطه چرخش مهمی است. او بعد از اشاره به رفتار ناپسند سفارت آلمان در تهران با شهروندان

ایرانی متقاضی ویزا در یک جمله کلیدی مثل کسی که پاسخ تحقیری عمیق را با حرص به آینده موکول می‌کند، می‌نویسد «ما از اسب افتاده‌ایم، نه از اصل».

این اشاره‌ای پرمعناست که رفتار ناپسند سفارت آلمان و برخی سفارت‌های دیگر اروپایی در تهران را نشانه گرفته است؛ اما در اصل زبانی جدید برای مردمی است که زبانی نداشتند؛ اما گروه‌های بسیار در قدرت و در بیرون آن، در داخل و در خارج کشور، این را ادعا می‌کردند و می‌کنند.

نامه تدینی از آن نوشته‌هایی است که اهمیت زاویه دید و لحن آن بر محتوا و مصداقش می‌چربد؛ یعنی نهمتنه به مخاطب نامه، اعلام وجود می‌کند؛ بلکه نشان می‌دهد که چگونه و از کدام لحن باید استفاده کرد؛ اما مخاطب قراردادن سفیر آلمان در برابر سفرای سایر کشورهای اروپایی که وضعیتی مشابه اما به‌مراتب بهتر در ارتباط با شهروندان ایرانی دارند و به‌ویژه استفاده از استعاره «اسب و اصل» خطاب قراردادن ملتی است که همین چند ده سال پیش از اسب بد افتاد؛ اما بنا بر اصل خود ویرانه‌های برلین را چنان ساخت که آثاری

از آن جنگ هولناک و آن رهبر مخیط بر جا نماند. تدینی سفارت ملتی را عتاب می‌کند که توانست به بالاترین افتخارات تمدنش -اصلاح و تغییر- دست یابد. خصیصه‌ای که تنها همین ملت آلمان تاکنون توانسته به آن دست یابد. تنها ولی برانست صدراعظم آلمان بود که در برابر نماد قربانیان هولوکاست زانو زد و یوزش خواست. تنها در دادگاه نورنبرگ و طبق قوانین آلمان بود که بعد از جنگ نهمتنه کارل اشمیت و هایدگر بلکه نیچه و واکتر متوفی هم به خاطر ایده آلمان برتر و یهودستیزی مورد تقبیح قرار گرفتند. مهدی تدینی نهمتنه اوج و فرود ملت‌ها را یادآور می‌شود و اطمینان می‌دهد صعود مجدد تمدن شهروندانی که پشت سفارت تحقیر می‌شوند، خیلی طول نخواهد کشید و اینکه مردم و ملت‌ها با کسانی که در حضیض دستش را نگرفتند و بدتر از آن حتی بر این دست پای فشردند، حافظه‌ای قوی خواهد داشت؛ بلکه به نوعی



● بارش باران سیل‌آسا در مازندران منجر به انسداد محوراصلی جاده چالوس و ۱۶ راه فرعی روستایی و به بار آمدن خسارت فراوان شده است. عکس: محمد مهدی پورعرب، ایرنا

زبان خوانی

شکست بزرگ



سعید لطفان

دکترای زبان‌شناسی

هرگز شکست ۶ بر ۲ رئال مادرید در سانتیاگو برابنابو در مقابل بارسلونا را فراموش نمی‌کنم. عجیب‌تر از آن برلیم معجزه نیوکمپ با عنوان رمونتادا (به معنی بازگشت) است. شکست سنگین و باورنکردنی تیم قدرتمند پاری‌سن‌ژرمن درحالی‌که چهار گل پیش بودند. ششی که یکی از دوستان بارسادوستم در آن بازی رفت و برگشت از شدت هیجان تقریبا به کما رفت و برگشت. چه هیجانی! «جبه این فوتبال اصلا؟!» حالا بگذریم، اصلا قصد ندارم از فوتبال حرف بزنم. می‌خواهم از «شکست» حرف بزنم. در طول تاریخ، شکست‌های بزرگی وجود داشته که همه آنها به یادماندنی و آموزنده هستند. مثل شکست ناپلئون در نبرد واترلو یا شکست هیتلر در ساحل نورماندی و بسیاری شکست‌های دیگر. بزرگان درمورد مقوله «شکست» سخن‌ها رانده‌اند. به عنوان مثال امرسون می‌گوید «در زندگی، زمین‌نخوردن افتخار نیست بلکه بزرگ‌ترین افتخار زندگی، برخاستن دوباره بعد از هربار زمین‌خوردن است». والت دیزنی بزرگ نیز گفته «همه زمین می‌خورند. برخاستن مجدد است که طریق راه‌افتادن است». یا در جایی دیگر از توماس ادیسون نقل است که می‌گوید «من هرگز شکست نخورده‌ام، فقط ۱۰ هزار راه یافته‌ام که ناکارآمد بودند».

خسب! حال از تاریخ، بزرگان و شکست‌های آن عبور کنیم و به اینجا اکنون بازگردیم. قصدم از این مقدمه درباره «شکست» این است که شما را نسبت به یک شکست بزرگ آگاه کنم که هر روز در بیخ گوشمان در حال رخ‌دادن است. شاید بتوان گفت شکست‌های یادشده از جهان فوتبال یا جنگ‌های نظامی، حداقل یک طرف برنده داشته‌اند اما این شکستی که می‌خواهم به آن بپردازم هیچ طرف برنده‌ای ندارد. شکستی است دو سر باخت. این شکست، ناگامی بزرگی است در زمینه اتلاف و ارزش‌ترین متاع جهان، یعنی زمان. شکست فقیعی در زمینه اتلاف نیروی انسانی. آن هم چه نیروی انسانی‌ای! کودکان، دانش‌آموزان نوجوان و جوان. این شکست بزرگ از دیدگاه بنده شکست وزارت آموزش و پرورش در امر آموزش زبان انگلیسی است. هشت سال زمان کمی نیست؛ آن هم در نقطه اوج خلاقیت و آموزش‌پذیری. در هشت سال می‌توان چهار زبان را در حد قابل‌قبول فراگرفت. وزارت آموزش و پرورش با وجود آموزش زبان انگلیسی به مدت هشت سال، در امر تربیت زبان‌آموزان ناکام مانده است و نسبت به این مدت طولانی خروجی قابل‌قبول نیست. آن هم زبان انگلیسی‌ای که زبان میانجی جهان امروز است. زبان علم و تکنولوژی است. همین فراگیرشدن زبان انگلیسی آن را تبدیل به ساده‌ترین زبان جهان کرده است. ولی «دریغ و درد» که چطور ما توانستیم ساده‌ترین چیز ممکن را تبدیل به کاری بس دشوار کنیم؟ «چه درد آلود و وحشتناک» واقعا.

همواره باور داشته و دارم که صحت بعضی گزاره‌ها با گذر زمان تغییر می‌کند. مثلا اینکه همیشه به ما گفته می‌شد «زبان را حتما باید در محیط یاد گرفت». این گزاره در دو دهه قبل کاملا صادق بود اما با ظهور پدیده‌های شگفت‌انگیز حاصل از هوش بشری مانند گوگل لنز، کوکل اسیستنت (Google Assistant)، شبکه‌های اجتماعی و هوش‌های مصنوعی بسیار قوی مانند چت‌بی‌تی‌تی (ChatGPT) و همچنین کنسول‌های بازی‌های کامپیوتری، این گزاره دیگر صحت خود را از دست داده است. محیط یادگیری زبان دیگر در همه‌جا هست و فقط به اندازه گفتن Hey Google یا ما فاصله دارد. جهان عوض شده است و همچنان هم با شدت بیشتری تغییر خواهد کرد؛ چه بخواهیم چه نخواهیم. گزیر و گریزی نیست. امروزه، گوشی‌ها و تمام وسایل هوشمند به سخن آمده‌اند اما چرا همچنان زبان‌آموزان ایرانی نمی‌توانند به راحتی و بدون زحمت زبان بیاموزند؟ خب علت چیست؟ نزدیک به ۱۵ سال است که دغدغه و سؤال اصلی من این بوده که واقعا چرا مدارس و آموزشگاه‌های ما در امر آموزش زبان ناکام و ناکارآمد هستند. خب خوشبختانه باید بگویم «یاقتم! یاقتم!». علت اصلی، تعریف غلط از «زبان» به مفهوم عام آن و دیدگاه نادرست نسبت به آن است. ما همواره «زبان»، «سواد»، «آزمون»، «ادبیات»، «دستور زبان» و «واژگان» را با هم خلط می‌کنیم. به آموزش گرامر، لغات، مکالمات، دیکته می‌پردازیم و کتاب‌های نامناسب مانند ۱۱۰۰ واژه وو… می‌خوانیم. آسیب‌شناسی دقیق و مشکافتانه این شکست،

احتیاج به مجال و فرصت بیشتری دارد که در این مقال نمی‌گنجد؛ خب حداقل جای شکرش باقی است که این شکست بزرگ مانند تمام شکست‌های دیگر آموخته‌شده است و به نظرم این تنها دستاورد آموزش و پرورش در این حوزه بوده است. پس بیایید این دستاورد را غنیمت بشماریم. یعنی عجلاتنا طبق گفته ادیسون که گفت «۱۰ هزار راه یافتم که ناکارآمد بودند» بیایید هر کاری را که در مدارس در زمینه آموزش زبان انجام می‌شود، یاد نگیریم چون همه ناکارآمد هستند.

یادآور این عهد بزرگ ملت آلمان با خود است که از هر رفتار تحقیرآمیز با ملت‌های دیگر اجتناب کند.

نامه مهدی تدینی صدای ملت فهمیده و بزرگی است که فهم و بزرگی خود را از تاریخ به دست نیاورده؛ بلکه با پوست و گوشت تجربه کرده و تغییر کرده است. جوانان تحصیل‌کرده‌ای که به مجرد شروع کارشان در هر بخش تخصصی دنیا همه از دقت و پشتکارشان به وجد و تحیر می‌افتند، نخبگان ملتی که کار در محیطی عقل‌گرایانه و تلاش در سیستمی که نتایجی ملموس برای مردم و در نتیجه بشریت دارد، آرزوی دیرین‌شان و عقده‌ای در حال انفجار در وجودشان بوده است. نه یک کار معمولی که باید روز را به آن گذراند و بنا بر عادت باید صحیح انجام داد و بنابراین در هر جای این کره خاکی در هر کاری به‌سرعت می‌درخشند. ملت بزرگی که با پوست و گوشت خود تلاطمات اجتماعی و انقلاب‌ها را با تمام نتایج مخرب‌شان دیده و نتیجه نشاندن آرزو به جای کنش سیاسی را هم تجربه کرده است؛ پس با پیداکردن زبان و سخنگویانی مثل مهدی تدینی آهسته‌آهسته قدم به خودآگاهی اجتماعی می‌گذارد، آنچه را می‌خواهد، به‌صراحت بیان می‌کند و راه را هم نشان می‌دهد. این زبان مردمی واقعی است که در حال تغییرات واقعی در واقعیت زندگی ایرانی در داخل کشور هستند؛ زندگی پویایی که به‌شدت در حال تغییر و گسترش است و با پوسته نازک برخی چارچوب‌های رسمی و قانونی در تناقض قرار می‌گیرد. حالا به خودآگاهی رسیده، اجازه نمی‌دهد به خاطر برخورد با آن پوسته رسمی از خارج هم حیثیت و حقوق انسانی او را زیر پا بگذارند. بارها و بارها از روش‌هایی دیگر با سکوتی مانند خاموشی دریا اظهارنظر کرده است. کسی سکوت را نشنید، کسی آرای سکوت را نشمرد. حالا از زبان گویندگان خود سخن می‌گوید، هیچ‌کس هیچ‌کس نمی‌تواند این صدای شنیدنی را ناشنیده بگذارد.

وجه دیگر نامه تدینی آن است که او زبان مردمی است که به این درک رسیده‌اند که خرابی هیچ‌گاه مقدمه بهبودی نبوده و نخواهد بود. این ایده دپوی را که «بگذار خراب شود تا همه ببینند!» لاجرم درست خواهد شد»، پشت سر گذاشته است. همین الان می‌خواهد مانعی که بر سر ارتباط او با دنیای دانش و تکنولوژی وجود دارد، مانعی که بر سر راه دیدار با فرزندان مهاجرت‌کرده‌اش ایجاد شده، مانعی که بر سر دیدن جهان آن‌طورکه هست؛ حتی اگر برداشته نمی‌شود، دست‌کم تسهیل شود. تنها باید پوست و گوشت و روح در عذاب باشد تا بتوانی برای امروز بیندیشی و آن را به راهی مطمئن به سوی فردا تبدیل کنی و امروز را فدایی فردا نکنی. باشد که لحن و زاویه دید تدینی در بسیاری شئون دیگر هم به شکلی هرچه سراسر‌تر بی به کار بیفتد.

قاهره (مثل لیبس، زندان، دادگاه) و دستگاه‌های ایدئولوژیک یاد می‌کند.

هنجارهای ایدئولوژیک در عملکرد دستگاه‌های ایدئولوژیک، باید نه فقط درک ما از جهان، بلکه همچنین درک ما از خودمان، هویت و ارتباط‌مان با دیگران و به‌طورکلی با جامعه را شکل دهد. اما سوزه‌ای که «دور دور» می‌زند، از کارکرد دستگاه ایدئولوژیک فراتر رفته و در آن تن نداده است، بنابراین فرایند اجبار به هم‌سویی آن، باید از مسیر دیگری دنبال شود. به همین خاطر است که

